



حرم امام رضا

در باره سابقه تاریخی حرم مطهر، مورخان و نویسندگان اقوال بسیار نقل کرده‌اند، برخی از تاریخ نویسن بر این عقیده‌اند که بقعه مبارکه حضرت رضا علیه‌السلام پس از وقایع و حوادث مهم خراسان که در طول قرن‌ها به وجود آمد، در معرض تحولاتی قرار گرفت و به واسطه تاخت و تاز اقوام مختلف و لشکرکشی‌ها به سرزمین خراسان، مانند تهاجم‌های سبکتکین و غزهای ترکمن و مغول‌ها بارها به کلی ویران و سپس بازسازی گردید.

[۱] فردوس التواریخ، ص ۳۱ - ۳۶.

[۲] دایره‌المعارف تشیع، ص ۵۶ - ۵۷.

فهرست مندرجات

- ۱ - پیشینه تاریخی
- ۲ - عصر غزنویان
- ۳ - عصر سلجوقیان
- ۴ - مغولان و حرم مطهر
- ۵ - دوره تیموریان
- ۶ - دوره صفویه
- ۷ - افشاریه
- ۸ - عصر قاجاریه
- ۸.۱ - غارت سالار
- ۸.۲ - توب بستن حرم
- ۹ - عصر پهلوی
- ۱۰ - تیر اندازی دژ خیمان شاه به حرم مطهر
- ۱۱ - عصر جمهوری اسلامی
- ۱۱.۱ - انفجار بمب در حرم مطهر رضوی
- ۱۲ - پانویس
- ۱۳ - منبع

پیشینه تاریخی

نویسندگان دیگر بر این نظرند که خرابی‌های وارده از تهاجم‌ها به گونه‌ای نبوده است که بنای بقعه را به کلی ویران کند، بلکه برخی حملات، خرابی‌هایی در قسمت فوقانی ایجاد کرده‌اند و به قسمت تحتانی دیوارها آسیبی نرسیده است، پایه‌های بقعه همان بنای اولیه است که ابتدا شالوده اصلی آن را با گل چینه ساخته‌اند و به دفعات قسمت‌هایی از دیوارهای آن مرمت شده و تزیین یافته است.

قرابن و شواهد نشان می‌دهد که نظر اخیر بیشتر مقرون به صحت است و نظریه تخریب کامل بقعه منوره دور از واقعیت است، چه او لا در ادوار مختلف گروهی از مورخان و جغرافیدانان و جهانگردان، شخصا مرقد مبارک امام علیه السلام را از نزدیک دیده و توصیف کرده‌اند.

[۱] احسن التقاسیم، ص ۴۸۸.

[۲] ابن حوقل، صور الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵، ص ۳۶۳.

ثانیا، آثار و سبک‌های گوناگون و فنون معماری و کاشی کاری قرون مختلف مانند آثار معماری غزنویان و سلاجقه و عهد تیموریان در حرم موجود است و در آخر عبارات مکتوب بر کاشی‌های نفیس و ممتاز بعضا نام بانی و تاریخ‌های ۵۱۲، ۶۱۲ و ۷۶۱ هجری نوشته شده است.

ثالثا، اگر بقعه منوره بکلی ویران شده بود، با توجه به این که اثری از گور هارون برجای نمی‌ماند، باتیان و ارادتمندان به امام علیه‌السلام که پس از آن، اقدام به احداث مجدد بنا نمودند، می‌توانستند از نظر معماری در ساختن مجدد دیوارها به گونه‌ای عمل کنند که قبر مطهر امام علیه‌السلام در وسط بنای جدید واقع شود. در صورتی که وضع فعلی بقعه منوره چنین نیست و همان گونه است که مامون برای قبر پدرش در سال ۱۹۳ ه. ق در نظر گرفت و ده سال بعد که حضرت به شهادت رسید پیکر مقدس او را در داخل بقعه در قسمت بالاسر هارون به خاک سپردند، در نتیجه خاکسپاری پیکر مطهر حضرت، تنگنایی در محل بقعه و بالای سر مبارک به وجود آمد که تا این اواخر باقی بود و در توسعه اخیر نسبتا وسعت یافت. بنابراین، سوابق و ادله قاطع و قرابن موجود در بنا نشان می‌دهد که حرم و بقعه مبارکه از قدیمترین بناهای مشهدالرضا است ولی البته گنبد مطهر در طول زمان بر اثر حوادث طبیعی و تهاجم‌های وحشیانه ویرانی‌های مکرر دیده است.

[۳] دایره‌المعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۴۶۲.

عصر غزنویان

به دنبال ترمیم و تزیین اساسی بقعه در عهد دیلمیان، به دستور سبکتکین (۳۸۷-۳۶۶) پادشاه غزنوی در قرن چهارم سقف و قسمتی از دیوار بقعه ویران شد و مردمان از زیارت حضرت منع شدند. اما **شیعیان** مخفیانه به زیارت قبر امام علیه‌السلام ادامه دادند، در حالی که تا مدتها همچنان بقعه نیمه ویران باقی بود. تا این که سلطنت به **سلطان محمود غزنوی** رسید. می‌گویند او شبی **پیامبر اکرم** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یا به روایتی **حضرت علی بن ابی طالب** علیه‌السلام را در خواب دید که او را مخاطب قرار داده و اشاره به آن گنبد ویران می‌کند و می‌فرماید تا کی چنین خواهد بود؟ گفته‌اند سلطان محمود صبح روز بعد معماری را به حضور طلبید و به **طوس** فرستاد. بنا به نوشته تاریخ بیهقی در سال ۴۰۰ ه. ق ابوبکر شهمرذ بنای بقعه را بار دیگر بر روی بازمانده دیوارهای گلین با آجر می‌سازد و مناره‌ای هم بر آن اضافه می‌کند که این بنا هسته اصلی حرم مطهر را تشکیل می‌دهد.

[۶۲] فردوس التواریخ، ص ۳۱-۳۰.

[۶۳] دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۶

عصر سلجوقیان

در این دوره اولین سنگ مزار امام علیه‌السلام که متعلق به سال ۵۱۶ ه. ق است به ابعاد ۶۰۰ × ۳۰۰ × ۶ سانتی متر بر روی قبر مطهر نصب شد که کتیبه آن چنین است: «امر بعمارة المشهد الرضوی علی بن موسی علیه السلام. العبد المذنب الفقیر الی رحمته ابوالقاسم احمد بن علی بن احمد العلوی الحسینی تقبل الله منه» این قطعه سنگ امروز در میان دیگر آثار تاریخی در موزه **آستان قدس رضوی** موجود است. مهمترین واقعه این دوره حمله غزهای ترکمان به حرم مطهر رضوی بود. در سال ۵۴۸ ه. ق ترکان غز به **مشهد** و ناحیه طوس حمله کردند و همه شهر را به **آتش** کشیدند و بسیاری از مردم از جمله علما و بزرگان را کشتند. در این جریان به بنای حرم لطمه وارد شد که چند سال بعد شرف الدین ابوطاهر بن سعد بن علی قمی حاکم مرو در عهد سلطان سنجر (۵۱۱-۵۱۷ ه. ق) به مرمت آن همت گماشت.

مغولان و حرم مطهر

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می‌نویسد که مغولان در سال ۶۱۸ ه. ق ابتدا به طوس حمله آوردند، شهر را غارت کردند و مردم را به قتل رسانیدند. سپس وارد مشهدالرضا شدند و آنجا را هم خراب کردند. اگر چه بعضی منابع از خرابی بارگاه مقدس رضوی به دست مغولان سخن گفته‌اند ولی باز مؤلف تاریخ آستان قدس رضوی از قول ابن ابی الحدید می‌نویسد با وجودی که مردم مشهد را به قتل رسانیدند، بارگاه رضوی را حداقل تخریب نکردند و احتمالاً به غارت اموال و اثاثیه آن اکتفا کردند. نیز عطاملک جوینی مؤلف جهانگشا از خرابی حرم مطهر به دست مغولان نکری به میان نیاورده است. منظومه فضل بن روزبهان خنجی در مهمان نامه بخارا که حمله مغولان را به طوس و مشهد نگاشته است، دلالت می‌کند که حرم مطهر را خراب نکرده‌اند، زیرا نوشته‌های سال ۶۱۲ که قبل از حمله **مغولان** بوده هنوز پابرجاست.

[۶۴] عطاردی، عزیزالله، تاریخ آستان قدس رضوی، تهران، انتشارات عطارد، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۱.

[۶۵] شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۳۵.

[۶۶] جهانگشا، ج ۱، ص ۱۱۵-۱۱۴.

[۶۷] دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۷.

[۶۸] تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۸۵۴.

[۶۹] دانشنامه ایران و اسلام، ج ۱، ص ۹۴-۸۹.

[۷۰] مطلع الشمس، ج ۳، ص ۵۰-۵۲.

[۷۱] مطلع الشمس، ج ۳، ص ۱۲۷.

در دوره **ایلخانان** فرسودگی‌ها و احیاناً خرابی‌ها و خسارات وارد شده به حرم مطهر رضوی جبران گردید.

دوره تیموریان

در **قرن نهم** هجری (سال ۸۲۱ ه. ق) به دنبال کوشش‌های شاهرخ تیموری در آبادانی مشهد، به همت **همسر** وی **گور شاداغا** نخستین **مسجد جامع** شهر با نام وی در سمت قبله حرم که صحن جنوبی آستانه مبارکه را تشکیل می‌دهد به اتمام رسید. در دوران تیموری، صحن تیموری (عتیق) و اسلس ایوان طلا توسط امیر علیشیر نوایی وزیر سلطان حسین بایقرا به وجود آمد که بعدها در دوره شاه عباس اول صفوی توسعه یافت و ایوان مزبور توسط **نادر شاه** مطلا گردید.

[۷۲] دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۷.

دوره صفویه

در دوره **صفویه** بر عظمت و شکوه حرم مطهر افزوده شد و مناره نزدیک گنبد که در عهد غزنویان به دستور ابن معتز حاکم **نیشابور** برپا گردیده بود به امر شاه طهماسب مرمت و طلاکاری شد و در سال ۹۳۲ ه. ق خشت‌های نفیس کاشی روی گنبد به خشت‌های طلا تبدیل شد. در سال ۹۹۷ ه. ق یعنی دومین سال سلطنت شاه عباس اول شهر مشهد در **محاصره** عبدالله خان از یک قرار گرفت، چون از جانب مردم به سوی او تیری شلیک شد غضبناک گردید و دستور به قتل عام مردم مشهد داد به طوری که در روضه منوره حضرت رضا خون جاری گردید. سال بعد **عبدالمؤمن خان ازبک** با لشکر پانز به مشهد حمله کرد، مردم و به خصوص سادات، علما، خدام و مدرسان آستان قدس رضوی که در مشهد بودند به آستانه مبارکه پناهنده شدند. در حالی که اینان به دعا مشغول بودند، عبدالؤمن خان و دین مجد سلطان به اتفاق عده‌ای از جنگجویان خود وارد صحن شدند و پناهنده‌گان را قتل عام نمودند. چنان خشمگین بودند که شعله خشم و غضب شان جز به ریختن خون سادات، صلحا و علما خاموش نمی‌شد. آنان زایران را از داخل حرم بیرون می‌کشیدند و با کمال قساوت به شهانت می‌رسانیدند. چنان

- که میر محمد حسین مشهور به «میر بالای سر» را که از سادات متقی مشهد بود و پیوسته در بالای سر مبارک به **تلاوت قرآن مجید** مشغول بود، دو نفر از ازبکان در کنار ضریح با شمشیر پاره پاره کردند. در این موقع **زنان** و کودکان در مسجد گوهر شاد جمع شده بودند و در آنجا ناظر قتل عام وحشیانه اقوام و خویشان خود بودند. سرانجام عبدالؤمن دستور داد، قندیل‌های مرصع **طلا** و **نقره** و شمعدان‌ها و نیز میل طلای بالای گنبد و بسیاری از ظرف‌ها و فرش‌ها و کتاب‌های کتابخانه آستانه مبارکه را به **غارت** بردند و زنان و کودکان را که اسیر شده بودند به ماوراءالنهر فرستادند. عبدالؤمن خان سرانجام به سخت‌ترین وجهی به دست اتباع خود به قتل رسید.
- [۱۸] اسکندر بیگ ترکمن، (منشی)؛ عالم آرای عباسی، تصحیح شاهرودی، تهران، نشر طلوع، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۰۷.
- [۱۹] فردوس التواریخ، ص ۳۳-۳۴.
- [۲۰] فردوس التواریخ، ص ۳۹.
- [۲۱] اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مطلع الشمس، چپ سنگی، تهران ۱۳۰۳، ص ۵۸۶.

در پی این خرابی در سال ۱۰۱۰ ه. ق که **شاه عیسی** پیاده به **زیارت** آمد مجدداً دستور ترمیم گنبد را داد و آن را طلاکاری کرد. به دنبال این اقدامات تحولات دیگری در قلمرو حرم مطهر صورت گرفته از جمله توسعه صحن عتیق، احداث ایوان شمالی و اطاق‌ها، غرفه‌ها، سردرها، و ایوان‌های شرقی و غربی آن ایجاد رواق **توحیح‌خانه** و نیز گنبد الله وردی‌خان. شاه عیسی با توجه خاص به آستانه حضرت رضاعلیه السلام، دستور داد تا هر کس به زیارت آن حضرت توفیق یابد می‌تواند عنوان «مشهدی» را مانند حاجی و کربلایی بر نام خود بیفزاید و این لقب از آن زمان رواج یافت.

[۲۲] دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۸.

افشاریه

در این دوره به ویژه در زمان نادر شاه افشار ایوان طلای صحن عتیق (انقلاب) و مناره بالای آن و بنای مناره ایوان شمالی طلاکاری و تذهیب شد و سفالخانه اسماعیل طلایی صحن عتیق احداث گردید. اما چندی بعد به وسیله نوادگانش به این ساحت مقدس اهانت‌هایی شد که اینک ذکر می‌شود.

در سال ۱۱۸۳ ه. ق شاهرخ فرزند رضا قلی میرزا فرزند نادرشاه افشار در **خراسان** حکومت می‌کرد. احمد شاه درانی به مشهد حمله کرد و نصرالله میرزا پسر شاهرخ که ولیعهد بود با او مقابله‌ای مردانه کرد و وی را شکست داد و او را وادار به **صلح** نمود. این امر موجب غرور وی شد که خیال جهانگیری را در سر پروراند.

در سال ۱۱۹۰ ه. ق که خزانه پدرش خالی شده و برای پرداخت حقوق سپاهیان در مانده شده بود به تحریک برخی از فرومایگان طلا و جواهرات حرم مطهر رضوی را از قندیل‌ها و درها جدا کرد، مقداری را به فروش رسانید و مقداری از طلاها و نقره‌ها را سکه زد و صرف پرداخت حقوق و تهیه **سپاه** نمود.

نادر میرزا برادر نصرالله میرزا نیز که پس از خلع وی توسط پدرش رضاعلی میرزا، ولیعهد شده بود دست تعدی و تجاوز به اموال موقوفه و غیرموقوفه گشود و حتی خشت‌های طلای روی گنبد مطهر را کند و به نام خود سکه زد و جواهرات حرم را به فروش رسانید. حتی سرطوق مکمل را که بالای گنبد نصب بود کند و نیز قالی زربافت را که هفت هزار تومان ارزش داشت سوزانید.

نصایح مرحوم **آیه الله میرزا مهدی مجتهد** تولیت وقت آستان قفس نیز مانع اعمال ناشایست و تجاوزگرانه او نشد. اما مردم به او اعتراض کردند و سکه‌های ضرب شده را که در بازار بود جمع آوری می‌نمودند و به میرزا مهدی مجتهد جد سادات شهیدی مشهد برمی‌گرداندند. مردم سرانجام سر به شورش برداشتند. نادر میرزا نیز که این شورش را از ناحیه میرزا مهدی می‌دانست وی را در سال ۱۲۱۸ ه. ش به شهادت رسانید و مرحوم میرزا مهدی مجتهد به «شهید رابع» معروف شد.

[۲۳] مطلع الشمس، ص ۶۳۴-۶۳۲.

[۲۴] قدسی، محمدحسین، نادرنامه، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹، ص ۴۳۴-۴۳۱.

[۲۵] ریاض السیاحه، ص ۲۸۳.

[۲۶] یادواره دویستمین سالگرد میرزا مهدی مجتهد، ص ۲۹-۳۰.

عصر قاجاریه

تعمیرها و تغییرهایی که در طول دوران حکومت **قاجار** در آستانه مقدسه به انجام رسید عبارتند از: بنای صحن آزادی (نو) در سمت مشرق حرم به امر فتحعلی شاه و به مباشرت فرزندش علینقی میرزا و معماری حاج آقاخان صاحب بازارچه معروف در مشهد، ساخته شد. بنای دارالسعاده توسط الله یارخان آصف الدوله به سال ۱۲۵۱ ه. ق احداث شد و ترکیب رواق دارالضیافه در سال ۱۳۲۰ ه. ق انجام یافت. متأسفانه حرم مطهر در این دوره دوبار مورد بی‌حرمتی و اهانت متجاوزان قرار گرفت:

← غارت سالار

محمد حسن خان سالار فرزند الله یارخان آصف الدوله در سال ۱۲۶۳ ه. ق یعنی یک **سال** قبل از پایان پادشاهی محمدشاه قاجار از آشوب هرات و هرج و مرج دربار استفاده کرد و در خراسان علم مخالفت برافراشت و در اندک زمانی قلعه کلات را متصرف شد. او نزدیک به دو سال در **خراسان** به استقلال حکومت کرد. در سال بعد به فرمان وی تمامی قندیل‌ها، چراغ‌ها و اثاثیه زرین حرم **حضرت رضا** علیه‌السلام را نوب کردند و به نام وی سکه زدند. همچنین او طلا و جواهرات در مرصع و جواهرنشانی که فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۳۳ ه. ق به شکرانه استیلا بر خراسان تقدیم آستان قفس نموده بود غارت کرد. اما پس از رفع فتنه در سال ۱۲۶۸ ه. ق حسام السلطنه عموی ناصرالدین شاه مجدداً سطح در مزبور را از طلای ضخیم پوشانید و آن را با دانه‌های **یقوت** و **زرد** و لعل زینت بخشید و در جای اولیه اش نصب نمود.

در پی این غارتگری‌ها و بی‌حرمتی‌ها نسبت به بارگاه مقدس، سالار در سال ۱۲۶۶ ه. ق به دست حسام السلطنه مغلوب گردید و به حرم مطهر پناهنده شد. در این موقع میرزا عسکری **امام جمعه** مشهد از خاندان میرزا مهدی شهید و علما و متولیان بارگاه مقدس رضوی به نزد سالار آمدند، و ضمن ملامت او به خاطر جسارت هایش به آستانه مقدسه او را از روضه منور طرد کردند. در نتیجه وی تنها ماند و به دستور حسام السلطنه او را از بست خارج کردند و سپس با برادرش محمد علی خان و پسرش اصلاخان به سزای اعمال شنیع شان به هلاکت رسانیدند.

- [۲۷] طاهری، ابوالقاسم، جغرافیای تاریخی از نظر جهانگردان، تهران، ۱۳۴۸، ص ۷۳.
- [۲۸] شبیانی، میرزا ابراهیم، منتخب التواریخ، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۶، ص ۹۸-۹۹.

← توپ بستن حرم

در **مهر** سال ۱۳۳۰ ه. ق هنگام تولیت مرتضی قلی خان نایینی مردی به نام یوسف هراتی در شهر مشهد آهنگ مخالفت با **مشروطه** ساز کرد و به تحریک بیگانگان جمعی از اراذل

و اوباش را به دور خویش جمع کرد و آرامش شهر را بر هم زد.

در خطه خراسان مخصوصاً مشهد عده‌ای سالدات (سرباز) روس با تجهیز کامل مستقر شدند و مرکز خود را ارگ دولتی قرار دادند. طبیعی است ورود سربازان روس به منظور پشتیبانی از کسانی بود که با مشروطه خواهان و حکومت مشروطه سر مخالفت داشتند. در همین هنگام دو نفر دیگر به نام‌های سید محمد طالب الحق یزدی پسر عموی سید ضیاء‌الدین نخست وزیر کودتای رضاخان و نایب علی اکبر نیز با یوسف هراتی همدستان شدند و در گوشه و کنار شهر آشکارا بر ضد مشروطه طلبان تبلیغ می‌کردند. کار به جایی رسید که رهگذران نیز در کوچه و بازار از تعرض کسان این اشخاص درامان نماندند. یوسف هراتی خود را سردار می‌نامید و هزرگی و بی بند و باری را به حد اعلان رسانید. طالب الحق نیز همه روزه به منبر می‌رفت و نوید و هشدار می‌داد که محمدعلی شاه به ایران آمده و در گرگان می‌باشد و ما احمد شاه پسر او را قبول نداریم، سربازان روسی که هدفشان مداخله مستقیم در امور شهر بود و اساساً به همین نیت به اشرار پر و بل داده بودند زد و خورد بین سربازان دولتی و اشرار را دستاویز قرار دادند و به نام حفظ اتباع روسیه در مقابل تجارخانه یکی از اهالی باکوبه که تبعه روس بود یک عده سالدات روس مستقر کردند. کسبه و اصناف که چنین دیدند بازارها را بستند و دست از کار کشیدند. روز شنبه دهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ ه. ق مطابق با دهم فروردین ۱۲۹۰ ه. ش اعلامیه‌ای از طرف کنسولگری روس صادر شد، که اگر اشرار و متجاسرین تا دو ساعت به غروب مانده از صحن و حرم خارج نشوند و کسبه بازار به سر کارهای خود برنگردند ناگزیر به کمک قوای مسلح و گلوله‌های توپ مردم را متفرق خواهند ساخت.

چیزی نگذشت که سربازان مسلح جلو **مسجد جامع** و کاروانسرای بانک صف آرابی کردند و از آن طرف هم اشرار و آشوب طلبان روی پشت بام مسجد و بالای گلدسته‌ها با تفنگ جمع شدند و خود طالب الحق که سردمسته آنها بود مقابل حرم مطهر مستقر گردید. سربازان روس و توپچی‌های آنان نیز از چند نقطه آماده شلیک شدند. ضرب الاجل به پایان رسید و به یکباره از چند جانب صدای غرش توپ ها بلند شد و گلوله‌های آتشین به طرف گنبد مطهر و صحن امام هشتم علیه‌السلام پرتاب گردید؛ هدف آنها به ظاهر امر متفرق کردن اوباش و در واقع انهدام قبه مبارک و نهب و غارت اموال نفیس حرم مطهر بود.

عده‌ای با مسلسل و توپ‌های سبک پیشروی کردند و حرم مطهر و ضریح حضرت را به گلوله بستند. صدای غرش توپ و شلیک نظامیان روس در همه جای شهر طنین انداز شد و در منازل شهر غوغایی برپا گردید. اصابت گلوله‌های توپ بر گنبد آسیب زیاد وارد کرد، در ۱۸ محل گلوله‌های توپ که مانند کله قند بود، گنبد مطهر را سوراخ کرد و به داخل گنبد افتاد و خرابی‌ها به بار آورد. پس از دو ساعت بمباران نمودن، به هنگام غروب نظامیان سواره و پیاده روس با حال تهجم وارد صحن مقدس شدند، زوار و مردم به داخل حرم مطهر پناهنده شدند و درهای حرم را بستند. عده‌ای از نظامیان روس به پشت بام حرم رفته از شبکه‌های گنبد و رواق‌ها به داخل حرم شلیک می‌کردند. عده‌ای از آنان وارد دارالسیاده شده از شبکه‌های پنجره نفره به داخل حرم شلیک می‌کردند و نیز دسته دیگر از شبکه‌های پنجره فولاد صحن عتیق (انقلاب) حرم مطهر را تیرباران کردند. در صحن و حرم مطهر تعداد زیادی کشته و زخمی شدند. مرتضی قلیخان متولی باشی آستان قدس رضوی **بیرق** سفیدی بر سر چوب بلند کرد و از قوای روس امان خواست. فرمانده روسی که چنین دید دستور آتش بس صادر کرد. سپس متولی باشی و خدام حرم و مردم نیز به جمع آوری کشتگان و زخمی‌ها پرداختند. مدت چهار روز این مکان مقدس در تصرف روس‌ها بود و مقدار زیادی اشیاء نفیس و قیمتی به بیغمار رفت. یوسف خان هراتی و طالب الحق به دست حامیان خود یعنی سالدات‌های روس کشته شدند و به کیفر اعمال خود رسیدند.

[۲۹] احتشام کابویانی، محمد، شمس الشموس یا انیس النفوس، بی نا، ۱۳۵۰، ص ۸۷-۸۸.

[۳۰] روزنامه خراسان، ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۹۴ ه. ق.

به دنبال این ویرانگری‌ها سلطان حسین میرزا نیرالدوله به استانداری خراسان تعیین شد و در سال ۱۳۳۱ ه. ق به مرمت خرابیها پرداخت هزینه تعمیر گنبد مطهر به **پول** رایج آن زمان که قران نفره بود، سی هزار تومان برآورد شد که بیست هزار تومان آن را نیرالدوله و ده هزار تومان مرحوم حاج میرزا محمدعلی قائم مقام التولیه رضوی پرداخت نمودند. اکنون جای چند گلوله در ایوان طلای صحن عتیق دیده می‌شود. استاد **ملک الشعرای بهار** به مناسبت این واقعه اشعاری تحت عنوان «توب روس» سروده که در دیوان او آمده است.

[۳۱] عالم زاده، بزرگ، راهنمای حریم رضوی، ص ۲۴-۴۵.

[۳۲] دیوان بهار، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۳۹

عصر پهلوی

در سال ۱۳۰۷ ه. ش در شبکه پیرامون فلکه حرم مطهر تغییرات اساسی به عمل آمد و فلکه دور حرم به شعاع ۱۸۰ متر از نوک گنبد و به پهنا ۳۰ متر احداث گردید که بعداً سالن **های موزه** و کتابخانه و تالار تشریفات نیز به این مجموعه اضافه شد، اما چندی نگذشت که به دستور رضاخان پهلوی در مجموعه بارگاه مقدس رضوی حادثه موهن و اسفناک «مسجد گهرشاد» به وجود آمد.

علت اصلی وقوع حادثه **مسجد گهرشاد** در سال ۱۳۱۴ ه. ش آن بود که رضاخان تصمیم حمله به فرهنگ و سنن ملی از طریق تغییر لباس را داشت و نیز **کشف حجاب** بانوان را هم زمه می‌کرد. در این موقع روحانیان مشهد زبان به اعتراض گشودند و مردم را به جمع شدن و تظاهرات تشویق می‌کردند که خطبای معروف شهر مانند شیخ مهدی واعظ خراسان، شیخ عباسعلی محقق و **شیخ محمدتقی بهلول** در مسجد گهرشاد و صحنهای مطهر به **منبر** می‌رفتند.

بخصوص شیخ بهلول قهرمان معرکه، که سخنرانی‌های طولانی و پرحرارت انجام می‌داد. صبح روز **جمعه** ۲۰ تیرماه ۱۳۱۴ برابر با دهم ربیع الثانی ۱۳۵۴ ه. ق قزاقان مستقر در مشهد برای متفرق ساختن مردم وارد عمل شدند و بی محابا در صحن جدید به روی مردم تیراندازی کردند که در نتیجه عده‌ای کشته و زخمی شدند پس از این هجوم مردم اطراف مشهد با داس و چهارشاخ و بیل و... به سوی بارگاه مقدس رضوی سرازیر شدند و در صحنها و مسجد گهرشاد اجتماع نمودند. روحانیان به ویژه شیخ بهلول نیز به سخنرانی‌های اعتراض آمیز خویش ادامه می‌دادند. روز شنبه ۲۱ تیرماه که بارگاه رضوی بخصوص مسجد گهرشاد همچنان در التهاب بود، پاکروان استاندار خراسان، سرهنگ نوایی رئیس شهر بانی و سرلشکر مطبوعی فرمانده لشکر که بهانه حفاظت از بانکها دستور می‌دهند نظامیان بارگاه رضوی و مسجد گهرشاد را محاصره کنند. در این موقع اسدی نایب التولیه وقت آقایان مجتهدان را به بهانه این که رضاشاه جواب تلگراف آنان را داده است به کشیکخانه و دارالتولیه حرم رضوی دعوت کرد. پاسی از نیمه شب گذشته صدای غرش مسلسل‌های قزاقان بلند شد و دژخیمان رژیم پهلوی به روی مردم تیراندازی کردند. صدای «واهمدا» و «واعلیا» بلند شد، گفته‌اند در این واقعه بین دو تا پنج هزار تن به **شهات** رسیدند و حدود ۱۵۰۰ نفر دستگیر شدند. سپس کشته شدگان و حتی نیمه‌جان‌ها را شبانه با کامیون از محل خارج کردند و در گودال خشت مالها و باغ خونی دسته جمعی دفن نمودند. سپس به شستشوی مسجد پرداختند. روز ۲۳ تیرماه اثر چندان از قتل و غارت باقی نماند.

[۳۳] واحد، سینا، قیام گهرشاد، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۴۸۵.

[۳۴] مجله سروش (۳۰ مرداد ۱۳۶۱)؛ ش ۱۵۸، ص ۴۶-۴۱.

[۳۵] مجله جهاد، ص ۲، ش ۳۷، ص ۴.

تیراندازی دژخیمان شاه به حرم مطهر

در روز ۲۹ آبان ماه ۱۳۵۷ ه. ش مطابق نوزدهم ذیحجه ۱۳۹۸ ه. ق در جریان **انقلاب اسلامی** به زعامت **امام راحل** قس سره حادثه‌ای دلخراش در حرم مطهر رضوی پیش آمد. آن روزها همواره ماموران **سواک** در بین مردم و زوار مراقب و گزارشگر اوضاع بودند. مردم اینبار را شناسایی کردند و در محاصره خود قرار دادند. نتیجه این محاصره به زد و خورد و دستگیری عوامل رژیم انجامید، ولی یک نفر از آنان، مجهز به سلاح کمری فرار کرد و ملجرا را گزارش داد. ماموران مسلح به صحن وارد شدند تا دستگیر شدن را از دست مردم نجات دهند، مردم به مقابله با آنان پرداختند. چند نفر از مبارزان که مورد تعقیب ماموران قرار داشتند به داخل حرم فرار کردند، و ماموران ضمن تعقیب آنها به تیراندازی پرداختند که چند گلوله به توحیحانه مبارکه اصابت کرد. سپس از طرف کفشداری گنبد اللهوردیخان تیراندازی شروع شد، به طوری که چند نقطه از در و دیوارهای حرم بر اثر اصابت گلوله آسیب دید. در اثر پرتاب گاز اشک آور در داخل حرم عده‌ای از زوار متوحش و بی هوش شدند و حتی یک نفر از زوار از ناحیه پا مجروح گردید. با ازحما زایران و فریاد اعتراض مردم، ماموران فرار کردند. اندکی بعد استاندار خراسان به وحشت افتاد و از طریق رادیوی **مشهد** معذرت خواهی کرد. این رویداد در میان مردم مشهد بازتابی گسترده یافت.

روز ۵ آذرماه ۱۳۵۷ ه. ش به مناسبت هفتمین روز حادثه از جانب علمای مشهد اعلام عزای و تعطیل عمومی شد و در مشهد و سراسر کشور راهپیمایی‌های بزرگ به راه افتاد، مردم در راهپیمایی خود شعار می‌دادند:
روز همه شیعیان، شام غریبان شد قبر امام هشتم گلوله باران شد
[۲۶] شاکری، رضاعطلی، انقلاب اسلامی مردم مشهد، مشهد، چپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۱۰۲-۱۰۰.

عصر جمهوری اسلامی

این عصر را می‌توان «عصر طلایی آستان قس رضوی» نامید. زیرا فعالیت‌های چشمگیری که در این دوره بیست ساله انجام گرفته، چندین برابر ۱۲۰۰ ساله ادوار گذشته می‌باشد.

← انفجار بمب در حرم مطهر رضوی

در دهه اول محرم الحرام سال ۱۴۱۵ ه. ق (۱۳۷۳ ه. ش) تعطیلات سه روزه جمعه، **تاسوعا** و **عاشورا** فرصتی برای تجمع زائران حضرت رضاعطیه السلام فراهم آورد. از سپیده دم روز دوشنبه (عاشورا) مصادف با ۳۰ خرداد عزاداران حسینی در حال نوحه خوانی و سینه زنی و زنجیرزنی و نیز شعارهای مذهبی جهت برپایی مراسم عزاداری و گرامیداشت سالروز شهادت **حضرت حسین بن علی** علیه السلام و باران باوفایش به سوی حرم مطهر روان بودند. دسته‌های مختلف با حالت‌های گوناگون به نوبت مشرف می‌شدند و با ابراز همدردی با سایر عزاداران و زیارت حریم یک رضوی بازمی‌گشتند. این مراسم و سیل عزاداران همچنان ادامه داشت و صحنهای ششگانه و بستهای چهارگانه و نیز حرم مطهر مملو از جمعیت بود. در گرم‌گرم عزاداری و اوج جوش و خروش و غوغای ظهر روز عاشورا، در ساعت ۱۴ و ۲۶ دقیقه بعدازظهر ناگهان بمبی قوی که مخفیانه و از قبل در کنار ستون بالاسر مبارک نزدیک ضریح مقدس جاسازی شده بود منفجر شد. بر اثر این صدای مهیب شیشه‌های حرم فروریخت، چراغها خاموش شد، مردم، به شدت روی هم ریختند و صدای والها، واجها، واعلیا، واحسینا در میان غوغایی عجیب و بی سابقه بلند شد. در اثر این انفجار هولناک و خونین، ۲۷ نفر از زائران امام هشتم علیه‌السلام به درجه رفیع **شهادت** رسیدند و حدود ۲۹۰ نفر مجروح شدند. این ولوله و هیاهو تا هنگام شستشوی حرم مطهر از خون شهدا و مجروحان و انتقال شهدا به سردخانه و مجروحان به بیمارستانها در تمام شهر ادامه یافت و مردم به عاملان این عمل ننگین و ضدانسانی لعنت می‌فرستادند. بدین جهت از سوی دولت جمهوری اسلامی در **خراسان** سه روز، و در کشور یک روز عزای عمومی اعلام شد.
[۲۷] روزنامه های خراسان و قس روزهای ۳۱ تا ششم تیرماه ۱۳۷۳ ش و اعلامیه آستان قس رضوی.

پانویس

۱. ↑ فردوس التواریخ، ص ۳۱-۳۶.
۲. ↑ دایرةالمعارف تشیع، ص ۵۶-۵۷.
۳. ↑ احسن التقاسیم، ص ۴۸۸.
۴. ↑ ابن حوقل، صورالارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵، ص ۳۶۳.
۵. ↑ دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۶۲-۵۴.
۶. ↑ فردوس التواریخ، ص ۲۹-۲۳.
۷. ↑ فردوس التواریخ، ص ۳۰-۳۱.
۸. ↑ دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۶.
۹. ↑ عطاردی، عزیزالله، تاریخ آستان قس رضوی، تهران، انتشارات عطارد، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۱.
۱۰. ↑ شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۳۵.
۱۱. ↑ جهانگشا، ج ۱، ص ۱۱۵-۱۱۴.
۱۲. ↑ دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۷.
۱۳. ↑ تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۸۵۴.
۱۴. ↑ دانشنامه ایران و اسلام، ج ۱، ص ۸۹۹۴.
۱۵. ↑ مطلع الشمس، ج ۳، ص ۵۰-۵۲.
۱۶. ↑ مطلع الشمس، ج ۳، ص ۱۲۷.
۱۷. ↑ دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۷.
۱۸. ↑ اسکندریبگ ترکمان، (منشی)؛ عالم آرای عباسی، تصحیح شاهرودی، تهران، نشر طلوع، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۰۷.
۱۹. ↑ فردوس التواریخ، ص ۳۳-۳۴.
۲۰. ↑ فردوس التواریخ، ص ۳۹.
۲۱. ↑ اعتمادالسلطنه، محسن خان، مطلع الشمس، چپ سنگی، تهران ۱۳۰۳، ص ۵۸۶.
۲۲. ↑ دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۸.
۲۳. ↑ مطلع الشمس، ص ۶۳۴-۶۳۲.
۲۴. ↑ قدسی، محسن، نادرنامه، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹، ص ۴۳۴-۴۳۱.
۲۵. ↑ ریاض السیاحه، ص ۲۸۳.
۲۶. ↑ یادواره دویستمین سالگرد میرزا مهدی مجتهد، ص ۲۹۳۰.
۲۷. ↑ طاهری، ابوالقاسم، جغرافیای تاریخی از نظر جهانگردان، تهران، ۱۳۴۸، ص ۷۳.
۲۸. ↑ شیبانی، میرزا ابراهیم، منتخب التواریخ، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۶، ص ۹۸۹۹.
۲۹. ↑ احتشام کویانی، محمد، شمس الشموس یا انیس النفوس، بی نا، ۱۳۵۰، ص ۸۸-۸۷.

۳۱. [بهار نامه خراسان؛ راهمائی محمدی الثانی ۱۳۹۴، ص ۴۵-۲۴.](#)
۳۲. [دیوان بهار، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۲۹.](#)
۳۳. [واحد، سینا، قیام گوهر شاد، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۴۸۵.](#)
۳۴. [مجله سروش \(۳۰ مرداد ۱۳۶۱\)؛ ش ۱۵۸، ص ۴۶-۴۱.](#)
۳۵. [مجله جهاد، ص ۲، ش ۳۷، ص ۴.](#)
۳۶. [شاکری، رمضانعلی، انقلاب اسلامی مردم مشهد، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۱۰۲-۱۰۰.](#)
۳۷. [روزنامه های خراسان و قنس روزهای ۳۱ تا ششم تیرماه ۱۳۷۳ ش و اعلامیه آستان قنس رضوی.](#)

منبع

[باشگاه اندیشه، برگرفته از مقاله «تاریخ تعرضات به حرم رضوی».](#)

رده‌های این صفحه: [امکن مذهبی](#) | [حرم امام رضا](#) | [زیارتگاه‌های شیعه](#) | [مشهد](#)